

«معرفی و تحلیل آثار تصویرگر آلمانی؛ بینت شرودر»

بینت شرودر تصویرگری فراتر از مرزها

فرشته فرمانی



بینت شرودر^۱ متولد سال ۱۹۳۹ م. در هامبورگ، تصویرگر و نویسنده مشهور آلمانی است؛ کسی که به سبب آثارش شهرت و آوازه‌ای جهانی به دست آورده است.

در سال ۱۹۹۷ م. به خاطر مجموعه آثارش برنده‌ی جایزه‌ی ادبیات آلمان گردید. جهان قصه‌ها و افسانه‌های فانتزی او سرشار از عروسک‌های زیبا و خوش ترکیب و چشم‌اندازهای ساختگی جذاب است. نخستین کتاب قصه مصور او به نام لیونچن^۲، به هفده زبان مختلف دنیا ترجمه شده است.

بینت شرودر داستان‌های هانس کریستین آندرسن و برادران گریم را نیز مصور نموده است.

کتاب‌های مصور او، به مدت ۴۰ سال، در ردیف بهترین‌های ادبیات و

تصویرگری بین‌المللی جهان به‌شمار آمده است. فیگورها و حالات شخصیت‌های او همواره زیبا و جالب توجه و اغلب شوخ و بامزه‌اند. هم‌چون کتاب‌های Lu-pinchen, Laura, Humpty Dumpty و چشم‌اندازهای جادویی و اسرارآمیز آثارش که خوانندگان را به باغی پنهانی رهنمون می‌گردد. درین‌جا به بخشی از گفت‌وگویی که در کنفرانس تابستانی کتاب‌های کودکان ایرلند در دوبلین در سال ۲۰۰۷ انجام شده و بینت شرودر مهمان IBBY ایرلند و انستیتیوی گوته دوبلین بوده اشاره می‌نماییم و داستان زندگی وی را از زبان خودش باز می‌خوانیم:

او خود می‌گوید: نخستین ناشر من Dimitrij Sidjanskij، از انتشارات Nord-Sud سوئیس و یکی از خیال‌پردازان عرصه‌ی نشر ناشران آلمانی زبان بود. در آن زمان من مشکلات عجیب و غریبی داشتم. مسئله‌ی من این بود که کتاب‌های من، مناسب زمان خود نبودند. هیچ تقاضایی در طی سال ۱۹۶۸ م. برای آن‌ها وجود نداشت. آن‌ها به تصویرگری‌های من و هم‌انگیزی و فانتزی می‌گفتند. من حقیقتاً به خاطر نمی‌آورم دقیقاً چه زمانی اعتماد به نفس به دست آوردم تا بتوانم راه خودم را ادامه بدهم.

اگر من دیمیتری را ملاقات نکرده بودم احتمالاً ناشران مرا به دست فراموشی می‌سپردند. ملاقات با او به‌طور کاملاً تصادفی و درست در زمان مناسب خود انجام شد. او از همه‌ی تصویرگران و نویسنده‌هایش دیوانه‌تر بود. او ورزشی غیرمعمول را از جوانی در یوگوسلاوی، حفظ کرده و انجام می‌داد؛ وی از کبوترهای بلندی پرواز نگهداری می‌کرد. در یک بعدازظهر گرم و دل‌چسب تابستان، زمانی که جماعتی از نویسندگان و ناشران و تصویرگران گرد هم آمده بودند و مشغول صحبت‌های جدی کاری بودند. دیمیتری، تعداد زیادی کبوتر را آزاد کرد و شوق و سرمستی کودکان‌های در فضا ایجاد نمود و کبوترها هم‌چون گل‌هایی در آسمان به پرواز درآمدند. این کار او بحث‌های تجاری ما را از هم گسیخت و جو و فضای کار و تجارت را درهم شکست.

گاهی پیش می‌آید که در تاریکی محض، وقتی هیچ نوری نمی‌تابد، انتظار روزنه‌ی نور آمیدی از جایی داریم و به یک معجزه یا اتفاق نیاز داریم. برای من هم آشنایی با دیمیتری هم‌چون پرنده‌ی سفیدی در دل سیاه شب بود. مطمئناً او می‌توانست با تصاویر من ارتباط برقرار کند و آن‌ها را درک نماید.

مجبورم اعتراف کنم زمانی که مردم به سمت من می‌آیند و می‌پرسند: «آیا هنوز کتاب‌های‌تان زیر چاپ هستند؟ ما با آن‌ها بزرگ شده‌ایم!» نمی‌توانم لبخند غرورآمیز بر لب نیاورم. کتاب‌های Florian und Lupinche و Traktor Max، حقیقتاً به کتاب‌های کلاسیک کودکان مبدل شدند. از انتشارات Nord-Sud ممنون هستیم؛ آن‌ها بیش از ۳۵ سال است که در این زمینه فعالیت می‌کنند.

کتاب دیگری که می‌توانیم در موردش صحبت کنیم، کروکودیل، کروکودیل^۳ است که در سال ۱۹۷۵ م. به چاپ رسید. این داستان کروکودیلی است که با حالتی خصمانه تابلوها را می‌شکند و با عصبانیت، فروشنده‌ی مغازه‌ی محصولات و فرآورده‌های کروکودیلی را می‌خورد و با تصرف لباس‌های فروشنده- که خورده شده- بر می‌گردد.

علی‌رغم وجود این کروکودیل خون‌آشام حریص و شکمو یا شاید هم به همین دلیل، داستان با کودکان ارتباط خوبی برقرار نمود و برای آن‌ها خصوصاً کودکانی که در صحبت کردن دچار مشکل بودند، جذابیت فراوانی ایجاد کرد.

من فکر می‌کنم، به تمام معنا، تصویرگری هستم که پا را فراتر از مرزها می‌گذارد! من هرگز با موضوعات سیاسی یا اجتماعی در کتاب‌ها سر و کار





نداشته‌ام و هرگز در مسیر جریان متداول و معمولی حرکت نکرده‌ام و هرگز شیوه‌ای که معمول و مطابق زمان خودش باشد، نداشته‌ام. شاید این به آموزش آکادمیک من بر می‌گردد که البته واقعاً به آن افتخار می‌کنم. به این دلیل من همواره راه‌های مخالف و مختلفی را تجربه کرده‌ام. زمانی به مدرسه‌ی خصوصی هنری در مونیخ می‌رفتم؛ به مدت سه سال. برای تکمیل آموزه‌های هنریم تصمیم گرفتم تابستانی را در مدرسه‌ی بازل بگذرانم که در آن زمان (Allgemein Gewerbeschule و General Business School) نامیده می‌شد.

مدیر نگاهی به کارهای من انداخت و بی‌رحمانه قضاوت کرد: «تو داری چی کار می‌کنی؟ این‌ها فقط تکرار مکرراته! اگر می‌خواهی واقعاً چیزی این‌جا یاد بگیری، مجبوری از پایه و از ابتدا شروع کنی!»

و پس از آن، من همه‌ی آن‌ها را از ابتدا آغاز کردم و به مدت ۵ سال در بازل تحصیل نمودم و البته به خاطر آن هرگز تأسف نخوردم. مفهوم آموزش در بازل تحت تأثیر باهاوس بود و با متدهای آموزشی ژوهانس اینتن انجام می‌شد.

مدرسه‌ی بازل که این روزها، دانشگاه طراحی نام گرفته است، پایه‌های محکمی را در آثار من ایجاد کرد. منتقدین می‌گویند که شیوه و سبک من، با فضا و اتمسفر خیال‌انگیزش متمایز و برجسته شده است؛ نوعی شباهت به آثار سوررئالیستی.

واقعاً چه کاری می‌توانم برای جلب کردن بیش‌تر کودکان به سوی دنیاهایی اسرارآمیز انجام بدهم؟ من ترجیح می‌دهم به آن‌ها چشم‌اندازهایی از مکان‌هایی اسرارآمیز و جادویی، جایی که چیزی برای کشف کردن دارد و وهم و ماجراجویی در آن‌ها حضور دارد، نشان بدهم و معتقدم باید احساساتی مانند ترس، تنهایی یا ناراحتی نیز مخاطب قرار داده شوند؛ قرار نیست کتاب‌های کودکان سراسر تفریح و شادی باشد.

زمانی که جایزه‌ی ادبیات نوجوانان آلمان را به خاطر مجموعه آثارم در سال ۱۹۹۷ م. دریافت کردم، داوران اظهار داشتند که علی‌رغم به کار بردن شیوه‌های سنتی و قدیمی در آثارم، هم‌چنان تلاش می‌کنم تا با هر کتاب، راه و شیوه‌ای جدید بیابم و در تلاش برای ایجاد نوآوری و ابداع در آثارم هستم. این حرف حقیقت دارد؛ من هرگز نخواستم تا روش و سبکم را در هیچ‌یک از کتاب‌هایم تکرار کنم و همیشه به دنبال فرم‌های جدید برای بیان بوده‌ام. تصویرسازی کتاب Laura در سال ۱۹۹۹ م. برای من هم‌چون یک زنگ تفریح بود، از تکنیک ترکیبی زمان‌بر و پیچده‌ی من با گواش و پرتاب لذت‌بخش و شادمانه‌ی خودم به سمت طراحی با مداد، گچ، پاستل بر روی صفحات تیره‌ی آلبوم عکس.

زمانی من اصل تصویرسازیم را در خانه‌ی نشر لندن گذاشتم، همان زمان هلن کریگ^۱ سر رسید. او به کار من تمایل نشان داد و از آن تعریف کرد. همان زمان فهمیدم که بازی را برده‌ام! و در مسیر صحیح حرکت می‌کنم! کم‌کم تمام کارهایم به وسیله‌ی ناشران بسیار موفق در اروپا و سپس در آمریکا چاپ شدند. در فرانسه، نمایش‌های کوچکی برگرفته از کتاب‌های من اجرا شد و در ژاپن مجله‌ی بسیار برجسته‌ای در مورد فرهنگ نوجوانان، یک مقاله‌ی کامل را به من اختصاص داد.

همانی باش که می‌توانی! هم‌چون ببری که قلّه و هدفش تغییر نمی‌کند. اندک اندک، مجموعه‌ای از کتاب‌های مصور مورد علاقه‌ی خود جمع‌آوری کردم که امروزه این کتاب‌ها که در حدود سه هزار عنوان می‌باشند در کتابخانه‌ی

بین‌المللی جوانان مونیخ قرار دارند.

همیشه دوست داشتم بدانم کودکان چگونه با کتاب‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و هم‌اکنون با توجه به تجربه‌ی شخصی‌ام دریافته‌ام که آن‌ها چگونه نسبت به هنر عکس‌العمل نشان می‌دهند. زمانی که خیلی جوان بودم، پدر بزرگم مرا بر روی پاهایش می‌نشاند و به من کتاب‌های هنری نشان می‌داد. خصوصاً کتابی از نقاشی‌های هیرونومین بوش را. زمان جنگ بود و کتاب‌های مصور به سختی به دست می‌آمد. نمی‌دانم اگر این تأثیرات در سن نوجوانی در من ایجاد شده بود، تصورات و ذهنیت تصویری من چگونه شکل می‌گرفت.

در نهایت باید بگویم که من به تصاویر کودکان ایمان دارم چرا که آن‌ها بسیار بهتر از ما بزرگ‌ترها، می‌بینند و می‌فهمند. اگر این‌طور باشد، چه پتانسیل و نیروی عظیم نهفته‌ای برای فهم هنر و فرهنگ در آینده در این کودکان وجود خواهد داشت.

تحلیل و بررسی آثار بینت شرودر

تصویرسازی‌های بینت شرودر اغلب فضای نقاشی‌های کلاسیک را یادآور می‌شوند. ساخت‌وسازهای دقیق اشیاء و شخصیت‌ها با ترکیبی از پس‌زمینه‌ی ساختگی و مصنوعی فضای کلی دوره‌ای از آثار وی را نشان می‌دهند. در اکثر آن‌ها فضایی خلوت و اسرارآمیز به عنوان پس‌زمینه و حضور یک یا دو شخصیت در مرکز صفحه، تصویر را تشکیل می‌دهند. در دوره‌ای از آثار بینت شرودر، القای نوعی حرکت تصاویر سریال‌وار و پی در پی را می‌توان مشاهده نمود خصوصاً در کتاب «شاهزاده قورباغه».

روایت داستان توسط فریم‌های عکس‌مانندی پشت سر هم است که اتفاق لحظه‌ی بعد را نشان می‌دهند. این برخورد متفاوتی با متن در دوره‌ی خود به‌شمار می‌رود. کتاب‌های بینت شرودر به زبان‌های مختلف دنیا و توسط ناشران مطرح اروپا و آمریکا چاپ شده‌اند. واژه‌ای که به آثار وی نسبت می‌دهند، تصویرسازی اروپایی است. شاید به جهت پس‌زمینه‌هایی از چشم‌اندازهایی اسرارآمیز و نامعلوم و یا به خاطر استفاده از نورپردازی‌های متمرکز در برخی آثارش که در آن‌ها فضای تیره حاکم بوده و نور محدودی بر فرم و شخصیت محوری تأیید شده است. در آمریکا آثار او با نقد منتقدین روبه‌رو شد و آن‌ها معتقد بودند که آثار وی بیش از حد تاریک و افسرده‌کننده بوده و مناسب کودکان نیست اما هم‌چنان کتاب‌هایش مورد توجه کودکان اروپایی و آمریکایی قرار می‌گرفت.

در کتاب کروکودیل، کروکودیل، نوعی جهش و پیشرفت ناگهانی در سیر تصاویر او دیده می‌شود. فضایی سوررئال با اشیایی که در هوا معلقند و حرکت جسورانه‌ی کروکودیلی حریص و خون‌آشام در مرکز کادر افقی که سکون و آرامش صحنه را به هم زده است و مشغول بلعیدن زن فروشنده است. اکسپرسیو ویژه‌ای در این تصویر دیده می‌شود که خاص بوده و با آثار پیشین وی تفاوت دارد. در بیش‌تر تصویرسازی‌های بینت شرودر فضایی ساکن با سکوتی سنگین حکم‌فرماست و اشیاء و آدم‌ها هم‌چون مسخ‌شدگانی در زمان و مکان ویژه‌ای بی‌حرکت مانده‌اند. گویی از یک صحنه‌ی خاص، عکس گرفته باشند. همه‌ی آن‌ها ژست‌های ویژه‌ای دارند و گویی عمداً بی‌حرکت ایستاده‌اند. در کتاب فلورین و کتاب اکتور، خط افق در دوردست و تقریباً در تقسیم‌بندی مساوی زمین و آسمان در صفحه، با نوری مرموز در فرادست‌ها، به تصویر عمق بخشیده و درختان ظریف و بلند و کشیده که همگی در جاهای مشخصی از صفحه ایستاده‌اند، بر سکون آن تأکید می‌کنند و تنها حرکت چند بچه یا یک اسب و تراکتوری کوچک در گوشه‌ی تصویر، این سکون را برهم می‌زند.

در مجموع، آثار بینت شرودر فضاهای سوررئالیستی ویژه‌س خود را





داراست و بیش تر به جهت همین فضا و نیز نوع نورپردازی و شخصیت پردازی قهرمان هایش و ترکیب بندی های تصاویرش و نیز حالات ویژه شخصیت هایش مشهور و محبوب است.

در کتابخانه ی بین المللی نوجوانان مونیخ، در طبقه ی زیر شیروانی، قسمتی به نام بینت شرودر وجود دارد که مکانی است که اصل تصویرسازی های او، مجموعه ی کتاب های مصور بین المللی او از سراسر جهان اسباب بازی ها و مجموعه ی سنگ های نقاشی شده ی او به چشم می خورند.

در مقابل این بخش، نمایشگاهی از تصاویر، طراحی ها، کتاب ها و کتاب های مصور و اشیاء دیگر مربوط به کار هنرمند برقرار است که نشان از اهمیت تمام عوامل هنرمندانه، یا مربوط به ادبیات و یا روابط او دارد که هنر او را تحت تأثیر قرار داده اند.

کتابخانه ی بین المللی کودکان مونیخ^۵

بزرگ ترین کتابخانه ی جهان در حوزه ی ادبیات کودک و نوجوان است که در سال ۱۹۴۹ م. چهار سال پس از جنگ جهانی دوم، به همت بانوی صلح طلب و انسان دوست آلمانی، یلا لپمن^۶ پایه گذاری شد و از آن پس سال به سال گسترش یافت.

لپمن کار خود را با برپایی نمایشگاهی از کتاب های کودکان در مونیخ آغاز کرد. هدف او از این کار روشن کردن بارقه های امید در دل های دردمندی بود که سال ها ترور و وحشت نازی ها، افق نگاهشان را تیره و تار کرده بود. لپمن به کودکان، کتاب های برگزیده عرضه می کرد. تا بیش تر بدانند و برای ساختن دنیای بهتر، دست در دست یکدیگر بگذارند. امروزه نیز راهنمای راهبردی کتابخانه همین دو اصل است. کتابخانه بین المللی مونیخ، از سال ۱۹۸۳ م. به قصر قدیمی بلوتنبورگ در ناحیه ی ابرمنینگ مونیخ انتقال یافت و به این ترتیب، یک قصر قرون وسطایی، به «کاخ کتاب» تبدیل شد. این کتابخانه هم اکنون پانصد و شصت هزار جلد کتاب در اختیار دارد که از بیش تر آن ها می توان در سالن مطالعه کتابخانه استفاده کرد. از مجموعه پانصد و شصت هزار جلد کتاب، صد و پنجاه هزار عنوان را می توان در فهرست (On-Line) کتابخانه پیدا کرد. در میان اندک شمار نشریات انتخاب شده ای که در راهروی ورودی سالن مطالعه به نمایش گذاشته شده، «پژوهش نامه ی ادبیات کودک و نوجوان» از ایران به چشم می خورد.

در حال حاضر کارشناسان زبان های هلندی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، مجاری، ایتالیایی، ژاپنی، فارسی، رومانیایی، ترکی، ابری و اسکاندیناویایی. در این کتابخانه فعالیت می کنند.

کتابخانه ی بین المللی مونیخ هر ساله نمایشگاه های گوناگونی با موضوع های مختلف در سال های قصر بلوتنبورگ که شامل آثار اصل تصویرگران، پژوهش های برگزیده در زمینه ی ادبیات کودکان کشورها و فرهنگ های مختلف است، برگزار می کند. یکی از موفق ترین نمایشگاه های سیار، نمایشگاه سیار «سلام دشمن عزیز» است که منتخبی از کتاب های تصویری از سراسر جهان با موضوع صلح و شکیبایی است که تاکنون در کشورهای اروپایی، آمریکا و هند و ژاپن برگزار شده است. هر سال ۱۵ نفر از نویسندگان، پژوهشگران و به تازگی تصویرگران ادبیات کودک با استفاده از بورس کتابخانه، می توانند از چند روز تا سه ماه در این کاخ دلگشا به گشت و گذار بپردازند. بودجه ی این برنامه از سوی وزارتخانه ی جمهوری فدرال آلمان تأمین می شود. از دریافت کنندگان بورس برای غنی کردن مجموعه کتاب ها و اسناد مربوط به کشورشان کمک گرفته می شود. تاکنون بیش





از ده کارشناس ادبیات کودک از ایران با طرح‌های پژوهشی گوناگون از این فرصت‌های مطالعاتی استفاده کرده‌اند. در قصر بلوتنبورگ موزه‌های جداگانه‌ای دربردارنده‌ی یادگارها، دست‌نوشته‌ها و اولین نسخه‌های چاپی نویسندگان و تصویرگران نامدار آلمانی مانند میشل آنده، جیمز کروس، اریک کشر و بینت شرودر پذیرای بازدیدکنندگان است.

جوایز بینت شرودر:

- ۱۹۶۹ م. سیب طلایی بنیال تصویرسازی براتیسلاوا.
- ۱۹۸۰ م. بهترین کتاب مصور سال.
- ۱۹۸۹ م. پلاک زرین بنیال تصویرسازی براتیسلاوا.
- ۱۹۹۷ م. جایزه‌ی ادبیات آلمان برای مجموعه آثار.
- ۲۰۰۰ م. جایزه‌ی اکتوگون.
- ۲۰۰۳ م. نامزد دریافت جایزه‌ی آسترید لیندگرن.
- ۲۰۰۴ م. جایزه‌ی گروبر آکادمی کودکان آلمان.

منابع:

1. Book Bird, 2008, Vol 46, No. 4
2. www.bn.com
3. www.ijb.de
4. www.ketabak.org
5. www.de.wikipedia.org

پی‌نوشت:

- 1-Binette Schroeder
- 2-Lipunchen.
- 3-Crocodile Crocodile
- 4- Helen Craig
- 5-Munich International Youth Library
- 6-Jella Lepman

